



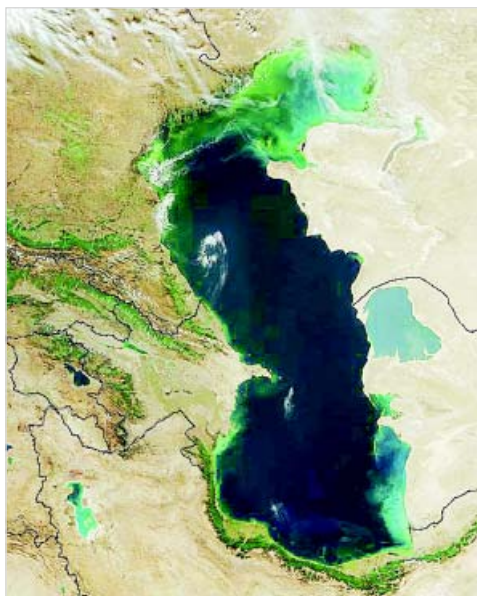
[دکتر محمد رجبی*]

چندی پیش در فضای مطبوعات کشورمان یزواک نشست سران کشورهای حاشیه دریای خزر طنین انداز شد. وقتی به شبکه‌های خبری و مطبوعات کشورهای غربی می‌نگریم، همان یزواک با منتها یا نام «دریای قزوین» - بحر قزوین - می‌یابیم.

در جزایر و شبکه‌های غیر عرب سراسر جهان نیز - از جمله آنها که مربوط به کشورهایی مشترک المنافع (شوروی سابق) هستند - چنین انگاشتی را بخوان «دریای کاسپین» - جلیق می‌کنیم. با آگاهی از این که نام قزوین تلفظ عربی - معرب - همان لفظ کاسپین است، به سهولت در می‌یابیم که در سراسر جهان کنونی - به استثنای ایران - کنفرانس مزبور را مربوط به کشورهای حاشیه دریای قزوین، دانسته‌اند؛ نه دریای خزر. چرا آنها دریای قزوین، می‌گویند؟ زیرا هم عرب‌ها و هم یونانی‌ها از دیرباز مشهورترین نام آن را که منسوب به کاسپین‌ها بوده است، برگزیده‌اند و از طریق همان نوشته‌ها و ترجمه آنها چنین نتیجه‌ای جھانگیر شده است.

کاسپین‌ها چه کسانی بودند؟ قومی ساکن ایران شمالی و مرکزی که قبل از آریایی‌ها در این سرزمین فرهنگ و تمدن درخشانی داشتند و حتی پیش از پانصد سال بر کشور متمدن بابل حکمرانی کردند. کاشی با کاسی و با تلفظی دیگر، کاشیت و کاسیت نام دیگر این قوم است که اسامی شهرهای کاشان، کاشمر و کنوین با کزین یا قزوین کنونی و بسیاری از نام‌های شهرها و روستاها با تلفظ‌هایی مشابه با متفاوت همچون کاشک در حومه سبزوار، کاشانک نزدیک تهران، کاشکان در خرقان قزوین، کاشانک جنب شهر حشمه کرمانشاهان، کاشکان در جنوب غربی کاشمر، کاشکان در حومه امل، کاشکان در اطراف قزوین، کاشکان هم در نزدیکی ایروند هم در جوار کازرون، کاسوا در مستحضرده حوالی قم، یادگاری از دوران حضور آنهاست. (۱) کاسپین نامی است که ماخوذ از کاسپوس لاتینی است و چنانکه گفتیم به زبان‌های اروپایی و از آنجا در تمام جهان رایج شده است و تنها کشورهای عربی مستثنی به شمار می‌روند که همان نام‌های و قدیمی قزوین را هنوز نگار می‌برند.

هجوم اقوام آریایی که طی دو نوبت به فاصله پانصد سال از یکدیگر صورت گرفت، به حیات تاریخی و تمدنی کاشیت‌ها پایان داد. اما باقی ماندن اسامی جغرافیایی آنها و همچنین کاوش‌های



که حاکی از تأثیرپذیری آریایی‌های سکونت یافته در ایران از فرهنگ و تمدن کاسی‌ها است، دلالت بر این دارد که ظاهر آن ظنیر هر نوع مهاجرت سیل‌آسای تاریخی و حتی تهاجم ویرانگر دوران کهن، پس از مدتی جنگ و کشتار و غارت و ویرانی، میان مهاجمان و بومیان نوعی همزیستی غالب و مغلوب برقرار شده و از آن آمیختگی‌های ژرفی و فرهنگی پدید آمده است. این واقعیت تاریخی با موارد بسیاری در دوران‌های باستان، میانه و حتی جدید مشابه دارد که آخرین نمونه آن را می‌توان در آمریکای

چرا دریای خزر؟ دریای قزوین!

انتصاب بزرگترین دریاچه

روی زمین به این نوم نامهربان، آن هم از سوی نویسنده‌گان و مقامات رسمی کشورمان - که بیشتر در عصر جدید ایران، آن مشروطه تا امروز صورت گرفته است - چه وجهی می‌تواند داشته باشد

روس - خزرها خود را از هر سو در محاطه یافتند، و بتدریج از صحنه تاریخ محو گردیدند. حال، انتساب بزرگترین دریاچه روی زمین به این قوم نامهربان، آن هم توسط نویسندگان و مقامات رسمی کشورمان - که بیشتر در عصر جدید ایران، آن مشروطه تا امروز صورت گرفته است - چه وجهی می‌تواند داشته باشد، بر نگارنده این سطور روشن نیست. زیرا حتی اگر یک کشور دیگر نیز از چنین نامگذاری بیرونی که بود، می‌توانستیم دست کم نقلی را که از ویژگی‌های این بارز دوران جدید و معاصر است، مساحت عظیم آن برداشتیم، ولی ظاهر آن تا در مواردی که ناواری داشته‌ایم، همین نامگذاری نوع امیز است که بر خلاف رسم تمام جهانیان، نام آشنا و خودی «قزوین» را حذف کرده‌ایم و برای نشان دادن خردورزی عمیق و رهبروری و تساهل بیش از حد خود، نام دشمنانی را که فریادش به تاریخ پیوسته‌اند، سخاوتمندانه بر روی این دریای عظیم نهاده‌ایم، هر چند که هیچ کشور دیگر دنیا هم آن را ندیده‌اند

در زمان رضاخان پهلوی با توجه به این که وی از اهالی مازندران بود، در برخی از کتاب‌های تاریخی ناموفقی به عمل آمد تا نام «دریای مازندران» را جایگزین نام دریای خزر سازند، ولی در همان هنگام در اغلب نقشه‌های جغرافیایی و نوشته‌های روشنفکران و روزنامه‌نویسان، نامگان نام دریای خزر به کار برده می‌شد و امروز نیز گمانه‌انگام آن همین است. آیا می‌توان چاره‌ای اندیشید و کاری کرد؟ شاید، اگر بسوی، می‌توان آن را آغازی برای بازنگری دقیق مسائل از نکات خرد و کلان فرهنگی و تاریخی خود دانسیم و شویارانه، تر به رویه‌های پیرامون خویش، از گذشته و حال گرفته تا آینده نزدیک دور، بنگریم.

پیش‌کشور کلمه جدیدی به دعوت سفارت پاکستان درمجلسای آن عنوان آورده است. سخنرانی ایرامون تاریخ کشور و احتمال خوشبختی آنها پس از سقوط ترکم دور، ارائه دادند که این بحث حاوی اطلاعاتی به صورت مقاله ای مجازتقم می‌شود.

۱. به اعتقاد اینجانب بر خلاف فرضیه موجود که خاشاک و جلیقه کاسی‌ها را تنها به مرکز ایران کنونی محدود می‌کنند، گسترده‌تری به ایشان تعلق داشته که از سیرسی و آسیای مرکزی تا شمال هند، بلقار و آلتیر و خراسان بزرگ و سراسر ایران امروزی و حتی سرزمین‌های همسایگان غربی آن امتداد داشته است. شهرهای کش در ارتسکان، قزقستان، در قزقستان چین و منطقه کسپیر که در پاستان و هند و سیرسی نام‌های جغرافیایی آن منطقه بوده‌اند، تفسیراتی دیگر در این زمینه، حکایت این واقعیت دارند. آمدن آنکه در این زمینه تفسیراتی را نگارنده این سطرین خدمت اعلیٰ نظر کند. ۲. اخیراً نیز عوالم اسرائیل که در کوشش‌های آن جهت امریکا فعال شده‌اند، برای مطیع ساختن کردها، این توهم را تقابلی کنند که کردها نیز از نسل این قبایل هستند و ارتباطی با ایرانیان و عرب‌ها دارند. جایگزین کردها نیز همین بود و در این روایت داده‌ها و واکنی‌ها را همان قوم گذشته می‌توانیم معرفی کرده‌اند!

تلفن گروه آندیشه: ۸۸۷۶۱۲۷۷

کتاب آندیشه

تنها خود را ملتزم به نتایج عقلانی، استدلال و قیاس می‌دانند و استناد این سینا در مواردی به آراء قرآن همگی پس از ارائه دلیل و قانع برهان است و در حقیقت می‌توان سود مستمن او از قرآن را نوعی تحقیر و تعظیم به شمار آورد.

روش این سینا در مسائل فلسفی، استدلالی و عقلی است در جهان اسلام آن راه عنوان تفکر برهانی حکمت بخشی می‌باشند. این روش‌ها با شیوه شائیان است و این سینا نیز سنی فلسفه‌های در دنیای اسلام است.

فلسفه شائیان را بسط و پهن‌کنندگی کرده‌اند و بعد از راه اسکندریه و اناطیکه و راه‌های دیگر وارد جهان اسلام شد و سپس آغاز رسمی فلسفه را در جهان اسلام با ابویوسف ابن اسحاق الکندی می‌دانند و موسی با ابونصر فارابی ادامه یافت و در دوران ابوعلی سینا به اوج خود رسید.

اگرچه این سینا مؤسس و پایه‌گذار فلسفه شائیان در جهان اسلام نیست اما این شک می‌تواند او را از نخستین کسی دانست که فلسفه شائیان را بصورت مدون و نظام مند در جهان اسلام ارائه کرده و بسیاری از مسائلی آن را توسعه داد.

اول فلسفه خویش بر اساس تصور از وجود مادی است که در آن ذات و صفات با گونه‌ای متنق و مستقل بین شده است، بنا نهاد.

نگاه او به مسائل وجود هم‌راه با تصور است که از خدای واجب الوجود ارائه می‌کند مکتب فلسفی او را کامل‌تر از ارسطو متمایز کرده است. ارسطو راهسته بیندیش مسائل فلسفی می‌دانند و این همان نکته اساسی است که فلسفه او را از فلسفه یونانیان نیز متمایز و برتر کرده است.

آنرا حاضر پژوهشی است جامع و دقیق در راستای ارائه دیدگاه‌های این سینا که مؤلف با نامی شایسته و بی‌شائبه و دور از اتهام بهترین آرای این سینا پیرامون الهیات به معنای عامه‌خواهی سازگار کرده است. این اثر که در سطح معاصر پژوهان کارشناسی ارشد فلسفه و کلام تدوین شده است، با بهره‌گیری از متن دست اول تطبیق دیدگاه این سینا با دیگر فلاسفه مشاهیر، آئین برهمنی در دست می‌دهد. در واقع کتاب حاضر برای دانشجویان رشته فلسفه غرب به عنوان منبع اصلی درس فلسفه مشاهیر تدوین شده است که برای دانشجویان و علاقه‌مندان فلسفه اسلامی نیز یکی از منابع مطالعاتی معتبری می‌تواند باشد.

فلسفه مشاء
با تکیه بر اهم آرای ابن سینا

دکتر محمدصدیقی
انتشارات سمت

سیره نویسان نوشته‌اند که ابن سینا با ابوسید البخیر (عارف بزرگ همعصرش) دیدار کرد، پس از این دیدار شاگردان ابن سینا از او پرسیدند که شیخ را چگونه یافتی؟ گفت هر چه من می‌دانم او می‌بند. چون از ابوسید پرسیدند که بوعلی را چون یافتی؟ گفت هر چه من می‌بینم او می‌داند. آنچه گزارش شده وصف حال و وضع جلیق یافتی؟ عارف است. نخستین تعریف از فلسفه در دنیای اسلام به کنده بر می‌گردد، فلسفه شناخت حقیقت اشیا است. در حدوتان انسان، اگر فلسفه تمیز و تفریق است از غیر واقعیت است یعنی کشف ذات واقعیت، در نتیجه نتوانی چرخه‌های در کثرت تمام واقعیت‌های هستی وجودی به تلاش‌های فلسفی فیلسوف نمی‌زند تا گفته شود فیلسوف برای جلوگیری از آسیب‌پذیری باید به دامن کشف و شهود و در آمیختگی برهان و عرفان، پناه برد برهان و عرفان هر یک می‌تواند به مدد دیگری بیاید اما هر یک از این دو روش خاص خود دارد. این سننادر نامه نگاری‌های خود با ابوسید، البخیر تا کدی می‌کند که خط و در آمیختگی روش‌های رسیدن به واقعیت، هر چند در پاره‌ای از مسائل نتایج یکسان داشته باشند، شری‌های دوسوه دارد: از سوی اعتماد کسائی را که در پی یافتن واقعیت بر اساس استدلال هستند، نتوانی تزلزل می‌کند و از سوی دیگر تلاش برای معقول کردن پاره‌ای از امور که عقل را به آن راهی نیست، سبب تزلزل ایمان بومیان می‌شود. این سینا معتقد است که برای اثبات مسائل فلسفی باید روش‌های عقلانی و روحانی را از یکدیگر تفکیک کرد و این همان نکته اساسی است که مکتب فلسفی شائیان را از سایر مکاتب فلسفی دنیای اسلام متمایز کرده است. شائیان برای اثبات مسائل فلسفی



آگهی مناقصه دو مرحله ای

شماره ۸۶/۲۴ سی

شرکت ارتباطات سیار

شرکت ارتباطات سیار

شماره ۸۶/۲۴ سی

۱۴/۰۰۰/۰۰۰ عدد Voucher card (کارت شارژ اعتباری) مورد نیاز خود را بر اساس شرایط و مشخصات موجود در اسناد مناقصه از منابع داخلی خریداری نمایید.

داوطلبان شرکت در مناقصه می‌توانند با در دست داشتن معرفی‌نامه از تاریخ نشر آگهی لغایت ۸۶/۹/۲۸ در ساعت اداری به واحد فروش اسناد واقع در تهران، میدان ونک، خیابان ونک، برج همراه، طبقه هفتم، دبیرخانه اداره کل تدارکاتی مرکز اجاره و پس از دریافت معرفی‌نامه مبلغ ۱۵۰/۰۰۰ ریال (یکصد و پنجاه هزار ریال) به حساب شرکت ارتباطات سیار نزد بانک ملی ایران شعبه پردیس واریز و با ارائه رسید بانکی اسناد مناقصه را دریافت و با توجه کامل به مندرجات آنها اسناد مذکور را مهر و امضا نموده و به ضمیمه پیشنهاد خود تا ساعت ۱۵ روز دوشنبه مورخ ۸۶/۱۰/۱۰ به نشانی فوق الذکر تسلیم نمایند.

کمیته معاملات در تاریخ ۸۶/۱۰/۱۱ راس ساعت ۹ صبح در طبقه دهم برج همراه واقع در خیابان ونک تشکیل و نسبت به پیشنهادات رسیده اتخاذ تصمیم خواهد نمود.

ضمناً مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (دویست و پنجاه میلیون ریال) می‌باشد که می‌بایستی به صورت ضمانتنامه بانکی و یا نقداً به حسابی که در اسناد مناقصه مشخص شده واریز گردد.

سایر موارد در اسناد مناقصه درج گردیده است.

اداره کل تدارکاتی
شرکت ارتباطات سیار



اطلاعیه

پذیرش دانشجوی دوره دکتری تخصصی (Ph.D) در رشته فلسفه علم و فناوری برای سال ۱۳۸۶ (نیمسال دوم)

دانشگاه صنعتی شریف برای پذیرش دانشجویان در رشته فلسفه علم و فناوری برای سال تحصیلی ۸۷ - ۸۶ در رشته دکتری فلسفه علم و فناوری آزمون دکتری برگزار می‌نماید.

داوطلبان محترم می‌توانند برای اطلاع از جزئیات و نحوه ثبت نام به سایت www.sharifschool.ir مراجعه نمایند.

روابط عمومی دانشگاه

۲۷۷۵۴